

کد اخست جان که شود کار دل تمام و نشد

نگاهی به «فرهنگ پیشوندها و پسوندهای زبان فارسی» زنده یاد دکتر خسرو فرشیدورد

بهمن خلیفه*

استاد فقید، دکتر خسرو فرشیدورد، که چندی پیش روی در نقاب خاک کشید، از جمله استادان زبان و ادبیات فارسی بود که تمام زندگی خود را وقف پژوهش در زبان و ادب فارسی کرد و این پژوهش، فقط جست‌وجو در لابه‌لای کتاب‌ها و نوشته‌ها و بازنویسی مطالب علمی از کتاب در دفتر و از دفتر به کتاب نبود. او واقعاً عاشق زبان و ادبیات این سرزمین بود و به فرهنگ این مردم عشق می‌ورزید؛ به حدی که کسانی که از نزدیک با دکتر فرشیدورد آشنایی داشته یا دانشجوی او بوده‌اند، به کرات، برآشفتگی استاد در برابر ناهنجاری‌ها و کج رفتاری‌ها در حوزه زبان و ادبیات این سرزمین را دیده‌اند.

کتاب فرهنگ پیشوندها و پسوندهای زبان فارسی هم در واقع مجموعه‌ای از مقالات چاپ‌شده و چاپ‌نشده استاد در سال‌های پیش است، که همگی گفتارهایی است درباره دستور زبان و ساخت کلمه در زبان فارسی. شمه‌ای از نفیثه‌المصدر استاد فقید در مقدمه کتاب، شاهد گفتار ماست و نشانگر عمق دلسوزی او برای بزرگ‌ترین سرمایه یک مردم، یعنی زبان و فرهنگ:

«هنگامی که به این کارها دست زدم، آفتاب داغ جوانی در اوج آسمان زندگی بود؛ ولی حال که اینها چاپ می‌شوند، غروب سرد و کم‌رنگ سال خوردگی بر لب بام عمر است. آن زمان، یک موی سپید بر سر نداشتم و الآن یک موی سیاه بر سرم نیست. امروز از توشه جوانی جز انبوهی یادداشت و کتاب و مقاله چاپ‌شده و چاپ‌نشده، چیزی در دست ندارم و همواره این شعرها را که بیست سال پیش سرودهام، با خود زمزمه می‌کنم:



* فرهنگ پیشوندها و پسوندهای زبان فارسی
(همراه گفتارهایی درباره دستور زبان فارسی).

* دکتر خسرو فرشیدورد.

* چاپ اول، تهران: زوآر، بهار ۱۳۸۶.

عمر بی‌حاصل من یکسره شد وقف کتاب
یا کنار غزل و دفتر اشعار گذشت
کودکی رفت و جوانی و کهولت پی هم
تا زدم چشم به هم، عمر به یکباره گذشت
روزگارم سپری شد همه با حسرت و درد
زندگی بر من بیچاره چه دشوار گذشت!

عمر بر باد رفت؛ اما مراد من، که رواج و گسترش زبان فارسی شیوای معاصر است، حاصل نشد.

گداخت جان که شود کار دل تمام و نشد
بسوختم در این آرزوی خام و نشد

زیرا دست شیوانویسان و زیباسرایان، از کتاب‌های درسی دانشگاهی و غیر دانشگاهی و رسانه‌های خبری کوتاه است و درازدستی کزپویان و سرهنویسان و زبان‌سازان و شبه‌زبان‌شناسان و تغییردهندگان زبان و خط فارسی تا اعماق جامعه ما گشاده.

اینان، یعنی پیروان آذر کیوان و ذبیح بهروز و کسروی و ایران کوده

و فرهنگستان شاهنشاهی زبان و برخی از «استادان زبان‌های پیش از اسلام» و زبان‌شناس نمایان، که به صورت حزبی مخوف درآمد و دهه‌هاست دستگاه‌های خبری و لغت‌سازی و آموزشی کشور را تسخیر نموده‌اند، به نبرد با کلمات ادبی و هنری مهمان زبان فارسی و ناتوان‌سازی آن برخاسته‌اند و کاری کرده‌اند که مردم نه تنها دیگر شعر فردوسی و حافظ و سعدی و مولوی را نفهمند، بلکه نوشته‌های جمال‌زاده و هدایت و نفیسی و اقبال و حجازی و ایرج و بهار و بهترین شاعران و نویسندگان امروز را هم درک نکنند.

چه مصیبتی بالاتر از این برای مردم میهن ما، یعنی مصیبت تغییر زبان فارسی و تبدیل آن به زبانی مصنوعی و کج و کوله، که هیچ ایرانی‌ای حرف ایرانی دیگر را نفهمد.

دریغ از زبان فردوسی و سعدی و مولوی و بهار و هدایت و نفیسی که به زیر دست و پای خوکان بیفتد؛ به زیر دست و پای کسانی که با تمام نیرو به زبان فارسی، که مهم‌ترین سند ملیت و والاترین عامل وحدت اجتماعی ماست، تاخت آورده‌اند و دستگاه لغوی و دستوری آن را در هم ریخته‌اند.

ما و دیگران چهل سال با تحمل زحمت و ریاضت، درباره اشتقاق و ترکیب و مباحث دیگر دستور و زبان‌شناسی و لغت‌سازی جهاد کرده‌ایم؛ ولی امروز کسانی که کوچک‌ترین کوششی در این زمینه به خرج نداده و حتی الفبای دستور و زبان‌شناسی را هم نیاموخته‌اند،

کارگزار این مهم شده‌اند و به نام «زبان‌شناسی» و «زبان علم»، دست به جعل فعل و پسوند و پیشوند زده‌اند و با عناصر مرده و منسوخ «واژه» ساخته‌اند و آنها را به جای کلمات زنده و ادبی و زیبای گذشته و حال گذاشته‌اند و سبب نامفهومی زبان فصیح امروز ما گردیده‌اند و کاری کرده‌اند که مردم حتی زبان ادبی و غیر ادبی سی-چهل سال پیش را هم نفهمند.

ما و دستورنویسان دیگر، سال‌ها درباره فعل کار کردیم و عرق ریختیم و قواعد و اصول آن را به دست دادیم؛ ولی اصحاب دایرةالمعارف و کارمندان فرهنگستان و گمراهان دیگر، بدون کوچک‌ترین اطلاعی از این مقولات و بدون آگاهی از دستور زبان فارسی و ریزه‌کاری‌های آن، شب خوابیدند و صبح پا شدند و صداها فعل و لغت جعل کردند و به نام کلمات علمی و زبان علم به زبان فردوسی و سعدی تحمیل کردند. لغات و افعالی مانند: قطبیدن، یونیدن، اکسائیدن، آیدن، آیش، شیشیدن، شیشش، شاریدن و صداها نظیر آنها» (مقدمه: هجده و نوزده)

و اما مروری بر بخش‌های کتاب کتاب فرهنگ پیشوندها و پسوندهای زبان فارسی از چهار بخش عمده تشکیل شده است. در بخش نخست، «کلیاتی درباره زبان، زبان‌شناسی و دستور زبان» مورد بحث قرار گرفته است. مباحث این بخش، با تعریف زبان آغاز شده و در پی آن، به موضوعات اهمیت زبان، تعریف و توصیف زبان، نهادی اجتماعی بودن زبان، منشأ زبان، قواعد زبان، دانش زبان‌شناسی، دستور زبان، شعبه‌های دستور زبان، فایده



دستور زبان، نسبت دستور زبان و زبان‌شناسی جدید، مختصری درباره تاریخچه دستور زبان فارسی، دستور بر پایه مکتب‌های جدید زبان‌شناسی، نقص دستورهای فارسی و شرایط دستورنویسی برای زبان فارسی پرداخته شده است.

از نظر دکتر فرشیدورد، عمده‌ترین نقایص دستورهایی که تا کنون برای زبان فارسی نوشته شده، از این قرار است: ۱. آمیختگی و آشفتگی قواعد، ۲. وجود اصطلاحات نامناسب، ۳. تقلید کورکورانه از دستورهای بیگانه، ۴. بی‌توجهی به تحقیقات دستورنویسان بیگانه، ۵. بی‌خبری از زبان‌شناسی نوین و بی‌توجهی به روش تحقیق جدید، ۶. نقص تحقیق. دکتر فرشیدورد پس از برشمردن کاستی‌ها و آفاتی که کتاب‌های مهم و معروف دستور زبان فارسی دچار آنها هستند و آوردن نمونه‌هایی از هر کدام، شرایط دستورنویسی برای زبان فارسی را این گونه پیشنهاد می‌کند: «از آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که به منظور نوشتن دستورهای دقیق و علمی برای زبان فارسی و

گونه‌های مختلف آن، این اصول باید مراعات شود:

۱. آگاهی از زبان‌شناسی جدید و به کار بستن اصولی از آن که برای دستورنویسی مفید است.
۲. مطالعه دستورهای عربی و فرنگی و استفاده از آنها، تا جایی که کار به تقلید ناروا نکشد.
۳. تشخیص دادن گونه‌ها و جلوه‌های مختلف زبان فارسی از یکدیگر و محدود کردن موضوع دستور و نوشتن دستورهای جداگانه برای هر کدام از آنها.
۴. استقراء تام و استقصای کامل یا چیزی شبیه آن در هر بخشی از زبان که مورد مطالعه است.
۵. احتراز از عقاید زبان‌شناسان تازه‌کار و اجتناب از سپردن کار دستور به دست کسانی که به دو سه سالی مطالعه کلیات زبان‌شناسی معاصر غرب اکتفا کرده‌اند و حوصله استقراء و استقصاء کامل در زبان فارسی را ندارند.

شک نیست که با این شرایط، دستورنویسی کار یک تن نمی‌تواند باشد؛ بلکه پیشرفت در این امر مستلزم تحقیق گروهی از زبان‌شناسان دلسوز و دستوردانان پرکار است که تازه پس از ده‌ها سال بتوانند برای گونه‌های مختلف زبان فارسی دستور بنویسند. طبق این طرح، نمونه کارهای دستوری در آینده باید چنین باشد:

۱. دستور توصیفی بر پایه تاریخ بلغمی یا بیهقی یا گلستان یا سمک عیار یا شاهنامه یا مثنوی یا خمسه نظامی یا ...
۲. دستور توصیفی قرن چهارم یا پنجم یا ششم یا امروز.

۳. دستور توصیفی لهجه‌های مختلف زبان فارسی.

۴. دستور تاریخی زبان فارسی، که برای آسانی کار، می‌توان آن را به موضوعاتی محدودتر تقسیم کرد، از قبیل تحول تاریخی پسوندها (یا دست‌کم چند پسوند)، یا ضمیرهای شخصی یا کلمات اشاری یا ساختمان جمله یا ...

۵. دستور توصیفی زبان پهلوی، که ابتدا می‌توان برای هر کتاب پهلوی دستوری نوشت و سپس آنها را با هم مقایسه کرد؛ مثل: دستور بندھشن یا دینکرت یا (دو پرافنامه و جز آنها، دستور فارسی باستان و اوستا) (ص ۳۴).

بخش دوم کتاب عنوان «کلیاتی درباره دستور زبان فارسی» را دارد. در این بخش، در سه فصل، برخی از مباحث عمده دستور زبان فارسی مورد بحث قرار گرفته است. در فصل اول، محور سخن، آواشناسی زبان فارسی است. آواهای زبان فارسی، یعنی واحدهای

صوتی و اجزائی که بر اثر ترکیب با هم، واحدهای بزرگ‌تر زبان را تشکیل می‌دهند، به دو دسته «آواهای زنجیری» و «آواهای زیرزنجیری» تقسیم شده‌اند. منظور از آواهای زنجیری، آواهایی است که به دنبال هم می‌آیند و سازه و کلمه تشکیل می‌دهند؛ مانند «ب» و «ا» و «ز» در کلمه «باز»، و مقصود از آواهای زیرزنجیری، آواهایی است که به دنبال هم نمی‌آیند، بلکه در خارج و بر بالای آواهای زنجیری قرار می‌گیرند و در ساختمان کلمه و گروه و جمله‌واره و جمله نقشی بازی می‌کنند: درنگ، تکیه و آهنگ و نواز. در ادامه این فصل، هر کدام از مباحث پیش‌گفته، به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. در فصل دوم، درباره نحو (یعنی روابط کلمات با هم در جمله) بحث شده است. مباحث عمده نحو، شامل گروه، جمله، جمله‌واره یا نیمه جمله یا جمله کوچک است. دکتر فرشیدورد «گروه» را دو یا چند کلمه تعریف کرده که معنی کامل نداشته باشد و به صورت جمله یا جمله‌واره یا کلمه مرکب نیز درنیامده باشد و نقش یکی از کلمات و واحدهای دستوری را در سخن بازی کند. آنگاه اقسام گروه‌ها در زبان فارسی از نظرگاه‌های مختلف بیان شده است.



گروه‌ها در زبان فارسی از نظر نقش نحوی، شامل دو دسته عمده‌اند: الف. گروه‌های یک‌هسته‌ای یا وابستگی یا یک مرکزی، مانند «این کتاب»؛ ب. گروه‌های چندهسته‌ای یا چند مرکزی یا همسانی، مانند «کتاب و دختر». این دسته دوم، خود شامل چهار نوع است: ۱. گروه‌های همپایگی، ۲. گروه‌های تأکیدی، ۳. گروه‌های بدلی، ۴. گروه‌های تفسیری. گروه‌های زبان فارسی برحسب ساختمان و نظرگاه‌های دیگر نیز بدین شرح برشمرده شده‌اند: الف. گروه گسسته و گروه پیوسته، ب. گروه پایدار و گروه لغزان (ناپایدار)، پ. گروه برون‌هسته‌ای و درون‌هسته‌ای، ت. گروه کوچک، گروه بزرگ، ث. گروه جمله‌واره‌ای و ...

در ادامه این فصل، تعریف جمله، اقسام جمله، ساختمان جمله و جمله‌واره بسیط، جمله مرکب و جمله‌واره، جمله‌واره مورد بحث قرار گرفته است.

در فصل سوم، کلمه و اقسام آن در زبان فارسی بررسی شده است. گونه‌های اصلی کلمه در زبان فارسی، ۶ نوع دانسته شده است: اسم، صفت، فعل، حرف، قید، صوت. در قسمت مربوط به «اسم» پس از تعریف آن، نشانه‌هایی که «اسم» از نظر صوری و لفظی و ساختاری در جمله می‌تواند داشته باشد مورد بحث قرار گرفته، سپس به برخی انواع اسم (عام، خاص، شمارشی و غیرشمارشی، ذات و معنی، ضمیر و انواع آن) اشاره شده است. همچنین از «صفت» و گروه وصفی و

انواع آن (بیانی، عددی، اشاره، مبهم) سخن گفته شده است. در بخش مربوط به «فعل» نیز پس از تعریف آن، شناسه‌ها و نشانه‌های لفظی فعل، فعل از لحاظ معنی، شخص و عدد در فعل، زمان فعل، نمود یا حد (aspect) فعل، شامل: مبهم یا مطلق، ناتمام یا استمراری، کامل، نیمه کامل، آغازی یا آغازین، وجه فعل (شامل اخباری، التزامی، امری، وصفی، مصدری، تأکید) یک‌یک مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در بخش «حرف» نیز پس از تعریف و برشمردن انواع حرف (الفبایی، دستوری) و بیان تقسیمات حروف دستوری (اضافه، ربط، ندا، تفسیر) و بیان گروه‌های حرف اضافه، حرف ربط و گروه‌های ربطی با تفصیل بیشتری مورد بحث قرار گرفته است. در این قسمت، اقسام حرف ربط و گروه‌های ربطی از نظر معنایی این چنین دسته‌بندی شده است:

الف. برای همپایگی:

افزایش: و، هم، نیز، همچنین، مخصوصاً، از، به‌علاوه، حتی، گذشته از این، وانگهی و جز آنها.

تضاد: ولی، اما، لیکن، هنوز، باز، لیک، مع‌هذا، با این حال، با وجود این، افسوس که، حیف که، با این همه و مانند آنها.

تصحیح: بلکه، برعکس، بالعکس، و مثل آنها.

نتیجه: پس، تا، تا اینکه، بنابراین، در نتیجه، نتیجتاً و نظیر آنها.

توالی: آنگاه، بعد، سپس، ددیگر، سدیگر، پس و مانند آنها.

تناوب: یا، با اینکه، و آلا، وگرنه، گاهی ... گاهی و مثل آنها.

یکسانی (تسویه): «چه ... چه»، «خواه ... خواه» و نظیر آنها.

ب. برای وابستگی (پیروی):

۱. سازنده جمله‌واره اسمی: که، تا، کجا، اگر.

۲. سازنده جمله‌واره وصفی: که، کجا.

۳. سازنده جمله‌واره قیدی، که خود به این اقسام تقسیم می‌شود: زمان: چون، که، تا، وقتی، وقتی که، هنگامی که، در وقتی که، هرگاه و مانند آنها.

مکان: کجا، هرجا، هرکجا، جایی که، آنجا که، به هر کجا که و مثل آنها.

کیفیت و حالت: که، چون کجا، همان‌طوری که، چنانکه، به طوری که، به نوعی که و نظیر آنها.

مقدار: تا، هرچه، هر قدر که، چندان که و مانند آنها.

علت: زیرا، چون، به‌علت اینکه، به‌بهانه اینکه، از بس، از آنجا که، نظر به اینکه و مثل آنها.

مقصود: که، تا، تا اینکه، برای اینکه، از ترس اینکه و نظیر آنها.
تقابل: اگر، اگرچه، هرچند، با آنکه، حتی اگر، با وجود آنکه، هر قدر که، ولو، گو اینکه، و مانند آنها.
شرط: اگر، تا، هرگاه، به شرطی که، به شرطی ... که، در صورتی که، در حالی که، چنان که، اگر چنان که و غیره.
استثناء: مگر، و آلا، مگر که، مگر اینکه، به استثنای اینکه، بجز اینکه، الا اینکه و مانند آنها» (ص ۷۷).

در ادامه این بخش، پس از بحث قید و صوت، بحثی درباره دگرگونی واج‌ها و حروف در زبان فارسی و ابدال و تخفیف آمده است. بخش سوم کتاب درباره «صرف» است. صرف که شاخه‌ای از دستور زبان و زبان‌شناسی است، خصوصیات کلمه‌ها و سازه‌ها را به تنهایی بررسی می‌کند. موضوع صرف یا سازه‌شناسی عبارت است از: سازه، کلمه، اجزای گفتار، ترکیب، اشتقاق، سازه‌شناسی لغوی، لغت‌سازی و واج‌های سازه‌ای. در آغاز، صرف، از لحاظ بررسی‌های زمانی دو نوع دانسته شده است: الف. صرف هم‌زمانی، که سازه‌ها و کلمه‌ها را در طول یک دوره معین مورد مطالعه قرار می‌دهد. ب. صرف تاریخی یا صرف تطوری، که سازه‌ها و کلمات را در طول تاریخ بررسی می‌کند.



سازه، کوچک‌ترین جزء معنی‌دار زبان است؛ مانند پدر، مادر، «دان» و «دانا».

سازه‌ها انواع مختلف دارند، بدین شرح: الف. سازه‌های آزاد و مقید، ب. سازه‌های واجی (حرفی) و هجایی، پ. سازه‌های لغوی و دستوری، ت. سازه‌های بسیط و غیربسیط، ث. سازه‌های فعلی و غیرفعلی و ... دکتر فرشیدورد، در بحث از مباحث دستوری آشنا، به چند اصطلاح جدید اشاره کرده است: دگرسازه، دگر کلمه، دگر نیمه کلمه، دگر پیشوند، دگر پسوند. برای تفصیل و شرح این اصطلاحات باید به فصول کتاب مراجعه کرد (از جمله ر.ک: صص ۹۰ و ۹۵ به بعد).

در فصل سوم، کلمه و دگر کلمه مورد بحث قرار گرفته است. دکتر فرشیدورد، کلمه را این گونه تعریف کرده است: «کلمه، کوچک‌ترین واحد معنی‌دار و صاحب نقش گفتار است که دارای وحدت و استقلال دستوری و معنایی و املائی و آوایی است و از یک یا بیش از یک سازه به وجود آمده است؛ مانند: رفت، او، از، گلاب» (ص ۹۵). بنابراین، ویژگی‌هایی که برای کلمه برشمرده شده، از این قرار است: ۱. استقلال آوایی، ۲. استقلال لغوی و معنایی، ۳. استقلال املائی، ۴. بازی کردن نقشی در کلام، ۵. صورت صرفی یا لغوی، ۶. تغییر طبقه دستوری.

مقصود دکتر فرشیدورد از «دگر کلمه»، صورت‌های مختلفی از یک کلمه است که هر یک نسبت به دیگری، دگر کلمه‌اند؛ مانند صورت‌های مختلف از کلمه «فرشته»: فرشته، افرشته، فرشتک. کلمه از دیدگاه کلی بر دو نوع عمده است: الف. مستقل، ب. نامستقل.

کلمات مستقل، اسم و فعل و صفت و قید و صوت هستند و کلمات نامستقل، شامل حرف و برخی دیگرند:

- حروف مانند: اضافه (از)، ربط (و)، ندا (ای) و تفسیر (یعنی).
- کلمات نامستقل دیگر:
- ۱. فعل‌های متعدی (دادن)، فعل‌های ربطی و ناقص (است، شد، بود، گشت، گردید، پنداشت).

- ۲. صفت‌های بیانی لازم المتمم (منشین [با کسی]).
- ۳. صفت‌های عددی اصلی (یک، ده).
- ۴. بعضی صفت‌های مبهم (هر)
- ۵. اسم‌های لازم المتمم (گفت‌وگو [با کسی]) و ... (ر.ک: صص

۱۰۵ و ۱۰۶- جدول)

در پایان این فصل، سازه‌ها و ساختمان‌های فعال و غیرفعال ترکیبی و اشتقاقی مورد بحث قرار گرفته است.

آخرین مبحث فصل سوم، مقدمه ورود به فصل چهارم است: «اشتقاق در زبان فارسی». در این فصل سه محور عمده مورد بحث است: ضمیمه، پسوند، پیشوند.

منظور دکتر فرشیدورد از ضمیمه (یا پیوست یا پاره کلمه)، «سازه دستوری نامستقلی است که به اول یا آخر یا وسط

کلمه یا نیمه کلمه به نام بنیاد می‌چسبد و کلمه مشتق یا شبه‌مشتق می‌سازد؛ مانند گور، نا، ان، ها و می در کلمات: کارگر، نادان، مردان، دست‌ها و می‌خوانیم، که دو کلمه نخست، مشتقند و سه کلمه آخر، شبه‌مشتق» (ص ۱۱۱).

دکتر فرشیدورد در ادامه گفتار، اقسام ضمیمه‌ها را برشمرده و برای هر کدام نمونه‌ای آورده است. بحثی درباره اشتقاق (Derivation) و مشتق، مکمل این بحث است؛ اما درباره «بنیاد»، سه مبحث عمده، یعنی ریشه، ماده و بن مطرح است که در ادامه مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل پنجم درباره پیشوندهای اشتقاقی زبان فارسی است. هر پیشوند با نمونه‌هایی از کلمات و تجزیه ساختار آنها بررسی شده است. در فصل ششم، پسوندهای اشتقاقی زبان فارسی بررسی شده است. پس از ذکر هر پسوند و آوردن نمونه‌هایی برای هر کدام، فهرستی از پسوندهای مرکب فارسی نیز در آخر این گفتار ارائه شده

است. در فصل هفتم، پسوندهای اشتقاقی زبان فارسی از لحاظ معنی و نقش دستوری آنها بررسی شده است. مباحث این فصل ذیل این عناوین ارائه شده است: پسوندهای اشتقاقی اسم‌ساز، پسوندهای اشتقاقی اسم‌ساز در شاهنامه، اسم‌های پسوندی ترجمه‌ای، کلمات ترجمه‌ای مشتق مضاعف در فارسی امروز، اسم مصدرهای پیچیده امروز، جمع‌های مشتق مضاعف در فارسی امروز، اسم‌های پیچیده امروز، جمع‌های ترجمه‌ای. بحث اساسی و عمده این فصل، بحث تأثیر ترجمه لغات زبان‌های دیگر (فرانسه و انگلیسی) در پسوندهای زبان فارسی و ساختار کلمات فارسی است. دکتر فرشیدورد با آوردن نمونه از زبان‌های فرانسه و انگلیسی و تطبیق معادل آنها در زبان فارسی امروز، این ساختارها را مورد بررسی قرار داده است.

فصل هشتم به صفت‌ها و قیده‌های مشتق پسوندی و پیشوندی اختصاص دارد. مباحث این فصل ذیل این عناوین ارائه شده است: صفت‌ها و قیده‌های مشترک پسوندی، قیده‌های پسوندی مشترک با اسم، قیده‌های مشتق مشترک با صفت، قیده‌های مشتق مشترک با

عدد ترتیبی در شاهنامه، قیده‌های مشتق کیفیت مشترک با صفت بیانی، پسوندهای اشتقاقی قیدساز و صفت‌ساز، تقسیم‌بندی پسوندهای صفت‌ساز و قیدساز برحسب معنی، پژوهشی دیگر درباره چند پسوند قیدساز و صفت‌ساز، قیده‌های پسوندی ویژه، قیده‌های تنوین‌دار، قیده‌های تنوین‌دار کیفیت و حالت در گذشته و حال، قیده‌های تنوین‌دار جفتی کیفیت، صفت‌ها و قیده‌های با پسوندهای صفت‌ساز و قیدساز فعال امروز، پسوندهای صفت‌ساز و قیدساز ترجمه‌ای (با معادل انگلیسی و فرانسه کلمات)، قیده‌های تنوین‌دار ترجمه‌ای (با معادل انگلیسی و فرانسه کلمات).

فصل آخر این بخش، بحثی طولانی درباره یکی از پسوندهای فارسی و پاره‌ای از نقش‌های دستوری آن است: پسوند «ا». و اما بخش چهارم کتاب، که در واقع بخش اصلی کتاب است و سه بخش نخست، در حکم مقدمه‌ای برای ورود به این بخش است، فرهنگ‌های الفبایی پیشوندها و پسوندهای فارسی است.

دکتر فرشیدورد در این بخش همه پیشوندها و پسوندهای زبان فارسی را یک به یک برشمرده و پس از بیان نقش پیشوند در ساختمان جدید کلمه پس از افزایش به «بنیاد»، شواهد و امثال متعددی از متون قدیم زبان فارسی برای آن آورده است؛ مثلاً در شرح

پیشوند «فرو» - «چنین می‌خوانیم: «فرو» - قید شبه پیشوندی است که در پهلوی «فرو» و «فروت» بوده و بر سر افعال و اسم‌ها می‌آید:



۱. به معنی «فروود» و «پابین» است؛ مانند: فرو رفت، فروتن.
 ۲. گاهی هم برای تأکید و تقویت فعل است:
 امیدواران دست طلب ز دامن دوست
 اگر فرو گسلانند، در که آویزند؟ (سعدی)
 دیده فرو دوختم تا نه به دوزخ برد
 باز نگه می‌کنیم، سخت بهشتی‌وشی (سعدی)
 گفتم که نیاویزم با مار سر زلفت
 بیچاره فرو ماندم پیش لب سخاکت (سعدی)
 پای می‌پیچم و چون پای، دلم می‌پیچد
 بار می‌بندم و از بار فرو بسته‌ترم (سعدی)
 که برقی ست مرصع به لعل و مروارید
 فرو گذاشته بر روی شاهی جمّاش (سعدی) (ص ۲۷۸).
 این بخش در دو فصل تنظیم شده است: فصل اول: پیشوندهای فارسی؛ فصل دوم: پسوندهای فارسی.

بنا بر پژوهش دکتر فرشیدورد، پیشوندهای زبان فارسی که در این کتاب به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته‌اند، بدین شرح است:
 آ-، آ-، آل-، ای-، اف-، ام-، او-،
 اوز-، بر-، بل-، بی-، پی-، پا-، پاد-،
 پت-، پد-، پر-، پژ-، پی-، خ-، خر-،
 دژ-، دش-، شاه-، فر-، فرا-، فراز-،
 فرو-، ن-، نا-، وا-، ور-، ه-، ها-،
 هام-، هم-.
 و فهرست پسوندهای فارسی، بنا بر پژوهش دکتر فرشیدورد در این کتاب:



ا- [ā]، ا- (ی: الف مقصوره عربی)،
 اء (الف ممدود عربی)، ات، اج، اچ، اچه، اده، اره، اره (ار+ه)، از-، ازه (از+ه)، از، ازه (از+ه)، اس، آسا و سا-، اسه (اس+ه)، اش-، اشه (اش+ه)، اغ یا اگ، اق، اک، اگ، -
 اگن (اگین، گین، گن)، اگین، -ال، اله (ال+ه)، الهی (ال+ه)،
 ام [mā]، امند [mandā] (مند)، ان، -ان تشبیه عربی، -انج (ان+ج)، -انه (ان+ه) = انک، -انی (ان+ی)، -انی [niyyā]،
 -اور، -اورنجن (ابرنجن، رنجن)، -اوری (اور+ی)، -اوند، -ایی
 مصدری (ای-ی)، -بار، -باره (بار+ه)، -بان، وان (بان)، -بد (در
 پهلوی قدیم = پت)، -بر، -پاد، -پام، -پان، -تا، -تاش، -تر،
 -ترین [tarīn]، -تن، -جرد، -جه (= چه، یچه)، -جی، -چار،
 -چک، -چه (یچه/جه/یزه/زه/ژه)، -چی، -خن، -داد، -دار،
 -دان، -دس، -دم، -«دن» مصدری، -دیز، -دیس، -دیسه،
 -زار، -زاران و -ساران، -زه، -ژه، -س، -سار، -ساران (سار+ان) و زاران، -ساره (سار+ه)، سان، -ست (و: شت)، -ستان

(استان و اُستان)، -سر، -سیر، -سیری (سیر+ی)، -ش (aš و eš)، -شت، -شن، -شَن (Šan)، -غال، -غاله (غال+ه) و گاله (غال+ه)، -فام، -فش، -قان، -قاه، -ک (ک-گک)، -کار، -ک -کی (ک+ی)، -کاره (کار+ه)، -کده، -کرد (گرد و جرد)، -گاره، -گاله (گال+ی)، -گان (در پهلوی: kāna)، گانان (گان+ان)، گانه، گانی (گان+ی)، -گاه، -گاهان (گاه+ان)، -گر (در پهلوی: kar و گر gar)، گرد (جرد و گرد)، -گری (گر+ی)، -گن، -گون، -گونه، -گین، -گینه، -ل (ول)، -لا، -لاخ، -لان، -لو (ل+و)، -لُ، -لُوک (لُ+و)، -له (و: وله (ول+ه))، -له، -لی، -لُ -م، -مُ، -م، -مند (و مند)، -مین (م+ین)، -ن، -ن، -ن (N)، -ن، -نا، -ناک، -نج، -نجه (نجه+ه)، -نند، -نده (ند+ه)، -نق، -نک (ن+ک)، -نگ، -نگان (ننگ+ان)، -نگه (نگ+ه)، -نگی (نگ+ی)، -نه (ن+ه)، -نی (ن+ی)، -نین، -و، -وا، -واده، -وار، -واره (وار+ه)، -واری، -وارینه، -وال، -وام، -وان، -وانه (وان+ه)، -وانی (وان+ی)، -ور، -وش (Vaš)، -وک، -ول (ل+ل)، -ولک (ول+ک)، -ولو (ول+و)، -وله و -لُ (ول+ه)، -ولی (ول+ی)، -ومند، -ون (ūn)، -ون، -وند، -وندگار (وند+گار)، -ونک (ūnak) [ون+ک]، -ونه (ون+ه)، -وی (و: و)، -ویه، -ه (های بیان حرکت)، -ه (عربی)، -ها، -ها، -ی (گی مصدری)، -ی نسبت، -ی نسبت عربی، ی فعل، ی نکره و وحدت، یات، -یار، -یان (ی+ن)، ی (یة مصدری)، -یر، -یزک، -یزه، -یش، -یشه (یش+ه)، -یک، -یل، -یله (یل+ه)، -ین، -ین نشانۀ جمع عربی، ی (eyn یا ayyn)، -ینه (ین+ه)، -ینی (ین+ی)، -یون (-گون)، -یه، -یه (iyya یا iyye).

در پایان، فهرست، منبع‌ها و مأخذهای مورد استفاده آمده است. با نگاهی به این فهرست، وسعت جست‌وجوهای دکتر فرشیدورد در منابع دست‌اول مشخص می‌شود. او از منابع بسیاری به زبان‌های فارسی، فرانسه و انگلیسی استفاده کرده است. فهرست اصطلاحات زبان‌شناسی و دستوری به فرانسه و انگلیسی با معادل فارسی آنها پیوست کتاب است که برای پژوهشگران و دانشجویان بسیار قابل استفاده است.

پی‌نوشت

* دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی.